تفسیری کوتاه بر سوره غاشیه

انصاری، محمد رضا

معرّفی سوره:

این سوره به نام«غاشیه»خوانده شده‏ است و هشتاد و هشتمین سورهء قرآن کریم به‏ شمار می‏رود،دارای 26 آیه می‏باشد و در مکّه بر پیامبر گرامی اسلامی صلّی اللّه علیه و آله‏ فرود آمده است.

فضیلت قرائت آن:

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که‏ فرمود:«من أدمن قراءة هل أتاک حدیث‏ الغاشیة فی فرائضه أو نوافله غشّاه اللّه‏ برحمته فی الدنیا و الآخرة و أعطاه الأمن یوم‏ القیامة من عذاب النّار»1هر کس در نمازهای‏ واجب یا مستحب خود بر خواندن سورهء

«هل أتاک حدیث الغاشیة»

مداومت کند، خداوند او را در دنیا و آخرت زیر پوشش‏ رحمت خود در می‏آورد و روز رستاخیز از عذاب آتش ایمنش می‏دارد.

دورنمای سوره:

این سوره دارای چند فراز است. در نخستین فراز،سخن از رستاخیز و عظمت آن به میان آمده است و مردم در دو چهره معرّفی شده‏اند:

1-تیره بختان که چهره‏هایی ننگین‏ و ذلّت بار دارند.آنان کسانی هستند که در دنیا رنجی بیهوده برده و آتش سوزان دوزخ را برای خویشتن خریده‏اند و از هر گونه آسایش‏ و لذّتی در آن محرومند.

2-نیکبختان که دارای چهرهایی‏ شاداب و مسرورند و از تلاش و کوشش‏ خهود راضی و خشنودند و در بهشت برین‏ جای گرفته‏اند:بهشتی که از هر گونه کاستی‏ به دور است و سخن بیهوده‏ای در آن به‏ گوش نمی‏رسد...چشمه‏ها در آن جاری‏ است...تختهایی بلند در آن نهاده شده است‏ و بالشها در کنار یکدیگر قرار گرفته و فرشها گسترده شده‏اند..!

در فراز دوّم،بخشی از نشانه‏های‏ قدرت خدا مطرح شده و به آفرینش شتر، آسمان،کوهها و زمین اشارت رفته است تا انسانها از این رهگذر به قدرت پروردگار توجّه یابند.

در سوّمین فراز،وظیفهء پیامبر در برابر مردم که همان تبلیغ رسالت و پند دادن و یاد آوری است مطرح گردیده و به این نکته‏ اشاره شده است که این پند و یاد آوری، برای همگان سودمند است جز برای کسانی‏ که از حق و حقیقت روی گردانده و کفر وزریده‏اند که آنان هرگز در برابر حق تسلیم‏ نمی‏شوند،از این رو خداوند در روز رستخیز آنان را به سخت ترین عذابها کیفر خواهد کرد.

در پایان سوره از واقعیت دیگری سخن‏ به میان آمده و آن این است که در روز واپسین‏ همگان بسوی خدا باز می‏گردند و بررسی‏ اعمال آنان تنها بر عهدهء خداست.

بسم اللّه الرحمن الرحیم:به نام خداوند بخشندهء مهربان

1-

هل أتاک حدیث الغاشیة:

ای پیامبر! آیا خیر روز رستاخیر،ن روز فراگیرنده،به تو رسیده است؟!استفهام در این آیه نشانگر تعظیم است و بر اهمیّت و بر اهمیّت موضوع مورد سؤال‏ دلالت دارد،و«غاشیه»به معنی پوشش‏ است و در اینجا مقصود از آن این است که روز قیامت روزی ا ست که همه را دل‏ بر می‏گیرد و همگان برای بررسی‏ اعمالشان،در آن روز گرد آورده‏ می‏شوند،چنانکه خداوند در سورهء کهف‏ می‏فرماید:

«و حشرناهم فلم نغادر منهم‏ احدا»

کهف:47و آنان را گرد می‏آوریم و هیچ‏ کس را فرو گذار نمی‏کنیم.

2-

وجوه یومئذ خاشعة

:در آن روز، چهره‏هایی خورا و ذلیلند.نسبت دادن خواری‏ و ذلّت به چهره‏ها،بخاطر آن است که آثار ذلّت و خواری در چهره‏ها آشکار می‏گردد. صابحان این چهره‏ها کسانی هستند که باری‏ روز واپسین خود تلاش نکرده و عمری را در هوا پرستی،جهالت پیشگی و انحراف‏ و فساد سپری نموده‏اند.

3

عاملة ناصبة:

اینان کسانی هستند که‏ در دنیا رنجی برده‏اند امّا رنجشان بیهوده بوده‏ و در آخرت از آن بی‏بره مانده‏اند و جو وزر و و بال چیزی باری خود به جای نگذاشته‏اند.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل‏ شده است که فرمود:«کلّ ناصب لنا و إن‏ تعبّد و اجتهاد یصیر إلی هذه الآیة:

«عاملة ناصبة»2

.هر کس دشمن ما باشد،گرچه‏ عبادت کند و تلاش نماید به سر نوشت این‏ آیه:

«عاملة ناصبة»

دچار خواهد شد.

4-

تصلی نارا حامیة:

در آتشی سوزان‏ وارد شده و در آن خواهند سوخت.

5-

تسقی من عین آنیة:

از چشمه‏ای داغ‏ که به آخرین درجهء حرارت رسیده است به آنان‏ می‏نوشانند.این نوشابهء آنهاست،امّا غذایشان:

6-

لیس لهم طعام إلاّ من ضریع:

غذایی جز خار خشک ندارند.پیامبر گرامی‏ اسلام صلّی اللّه علیه و آله فرود:«الضریع شئ‏ یکون فی النار یشبه الشوک أمرّ من الصبر و أنت من الجیفة و أشدّ حرّا من النار سمّاه‏ اللّه الضریع»3.«ضریع»چیزی است در آتش مانند خار که تلختر از صبر و بد بو تر از مردار و سوزنده‏تر از آتش است و خداوند آن را«ضریع»نام نهاده است.

هنگامی که این آیه فرود آمد،مشرکان به‏ دروغ گفتدن:شتران ما با این خار سیر می‏شوند!خداوند در تکذیب سخن آنان‏ فرمود:

7-

لا یسمن و لا یغنی من جوع: خوردن آن غذا نه فربه می‏کند و نه گرسنگی را بر طرف می‏سازد.یعنی خورندهء آن پس از خوردن باز هم احسان گرسنگی‏ می‏کرد.

8-

وجوه یومئذ ناعمة:

پس از آنکه‏ خداوند حال تیره بختان را بیان می‏کند،به‏ توصیف نیکبختان می‏پردازد و می‏گوید:در آن روز چهره‏هایی شاداب و مسرورند.این‏ شادابی و سرور برای آن است که از انواع‏ به هر حال،همهء آنچه بر فراز زمین قرار گرفته‏اند،از نشانه‏های قدرت خدا و از شگفتیهای آفرینش به شمار می‏روند و انسانها را به وجود آفریدگاری توانا و مدبّر رهنمون‏ می‏شوند.

نعمتها برخوردارند.

9-

لسعیها راضیة:

صاحبان این چهره‏ها از تلاش و کوششی که در دنیا داشتند راضی‏ و خشنودند،چرا که تلاششان اینک به ثمر نشسته و از آن بهره می‏برند.

10-

فی جنّة عالیة:

در بهشتی رفیع جای‏ گرفته‏اند.مقصود از رفعت،والا بودن‏ درجات بهشت و زندگی آن است،زیرا آن‏ زندگی فنا پذیر نیست و لذّتهایش رنج به‏ همراه ندارد و شادیهایش آمیخته به اندازه‏ نیست و هر چه بخواهند در آنجا برایشان‏ فراهم است.

11-

لا تسمع فیها لاغیة:

در آنجا هیچ‏ گونه حرف بیهوده‏ای نمی‏شوند،زیرا بهشت‏ جای بیهوده گویی نیست و هیچ یک از بهشتیان سخن بیهوده بر زبان نمی‏رانند، آنچه هست درود است و سلام!«لا یسعون‏ فیها لغوا و لا تأثیما\*إلاّ قیلا سلاما سلاما» واقعه:25-26.

12-

فیها عین جاریة:

برای هر یک از بهشتیان چشمهء روانی است که از آن می‏نوشند. وصف چشمه به«جاری»برای آن است که چشمهء روان نسبت به چشمهء ایستاده‏ گواراتر و نیکوتر است.

13-

فیها سرر مرفوعة:

«سرر»جمع‏ «سریر»به معنی تخت است.در بهشت‏ تختهایی ر افراشته شده است که مؤمان روی‏ آن می‏نشینند و همه جا را می‏بینند.علاّمهء طباطبایی در تفسیر«المیزان»می‏گوید: رفعت و بلندی تختها بدان سبب است که‏ کسانی که روی آن می‏نشینند دارای مقامی‏ والا و ارجمند هستند4.

14-و أکواب موضوعة:«أکواب» جمع«کوب»به معنی تنگ است.و تنگهایی‏ در کنار چشمه‏ها نهاده شده است که بهشتیان از آنها آب می‏آشامند.در تقابل«موضوعه» و«مرفوعه»بلاغت زیبایی به کار رفته‏ است.

15-

و نمارق مصفوفة:

«نمارق»جمع‏ «نمرقه»بالشی است که به آن تکیه‏ می‏دهند،و«مصفوفه»یعنی در ردیف‏ یکدیگر قرار گرفته‏اند.و بالشهایی به ترتیب‏ کنار هم گذاشته شده‏اند.

16-

و رازبیّ مبثوثة

:«زرابیّ»جمع‏ «زربیه»فرش گرانبها را گویند،و«مبثوثه»از مادّهء«بثّ»و در اینجا به معنی گستردن‏ است،یعین:فرشهایی گرانبها برای نشستن‏ مؤمنان گسترده شده است.برخی از مفسّران‏ گفته‏اند:ممکن است«بثّ»معنی اصلی‏ خود را داشته باشد و به معنی پراکنده ساختن‏ باشد و مقصود از یه این است که فرشهایی‏ گرانباها در جایگاه‏های گوناگون پراکنده‏ شده است.

پس از آنکه خداوند رستاخیز را وصف‏ می‏کند و از نیکبختان و تیره بختان سخن‏ می‏گوید و بخشی از ویژگیهای بهشت‏ و دوزخ را بیان می‏کند،برای آنکه مردم را به‏ قدرت بی‏پایان خود توجّه دهد،به پاره‏ای‏ از مخلوقات و چگونگی آفرینش آنهار اشاره‏ می‏کند.نخست آفرینش شتر را مطرح‏ ساخته و می‏گوید:

17-

أفلا ینظرون إلی الأبل کیف‏ خلقت:

آیا این مردم به شتر نمی‏نگرند که‏ چگونه آفریده شده است؟!انتخاب شتر از میان چهار پایان برای آن است که سوره در مکّه فرود آمده و نخستین کسانی که این آیه‏ برای آنان خوانده شده است مردم عرب‏ بودند که با شتر سرو کار داشتند و شتر در زندگی آنها تأثیر فراوان داشته است.

18-

و إلی السّماء کیف رفعت:

و به‏ آسمان که چگونه بر افراشته شده است؟! مقصود از آسمان،یا مجموعهء کرات فضا هستند که بر فراز زمین قرار دارند،یا مدار آنها و یا فضای رنگینی که به چشم‏ می‏خورد.

به هر حال،همهء آنچه بر فراز زمین‏ قرار گرفته‏اند،از نشانه‏های قدرت‏ خدا و از شگفتیهای آفرینش به شمار آفریدگاری توانا و مدبّر رهنمون‏ می‏شوند.

19-

و إلی الجبال کیف نصبت:

و به‏ کوهها که چگونه مانند میخهای استواری روی‏ زمین نصب شده‏اند تا زمین دچار اضطراب‏ و لرزه نگردد وا ز حرککتی معتدل بر خوردار باشد؟

20-

و إلی الأرض کیف سطحت:

و به‏ زمنی که چگونه گسترده شده است و انسان‏ می‏تواند روی آن راه برود و به راحتی در آن‏ زندگی می‏کند؟!آری،اینها همه نشانه‏هایی از تدبیر الهی هستند که هر یک می‏تواند بشر را به توحید و یکتا پرستی هدایت می‏کند.

21-

فذکّر انّما أنت مذکّر:

بنابر این تو- ای پیامبر-این نشانه‏های شگفت را به مردم یاد آوری کن،زیرا تو تنها تذکّر دهنده‏ای و باید حقایق را برای آنان باز گو کنی تا ا ز این رهگذر به‏ خدا و رستاخیز ایمان بیاورند و در راه راست گام‏ نهند.

22-

لست علیهم بمصیطر:

تو بر آنان‏ تسلط نداری به گونه‏ای که بتوانی بطور اجبار ایمان را در دلهایشان وارد کنی.آری،تو حقایق را برای همگان یاد آوری کن.

23-

إلاّ من تولّی و کفر:

مگر برای کسی‏ که از پذیرش حق روی گردانده و به خدا و روز رستاخیز کافر شده است که تو دیگر نسبت به او مسؤولیتی نداری،بنابر این او را به حال خود رها کن.

24-

فیعذّبه اللّه العذاب الأکبر:

که‏ خدا او را به آن عذاب بزرگتر جاودانگی در آتش است عذاب خواهد کرد.

25-

إنّ إلینا إیابهم:بی گمان باز گشت‏ آنان پس از مرگ بسو ما خواهد بود. 26-ثم إنّ علینا حسابهم:

آنگاه‏ حسابشان تنها بر عهدهء ماست و هر کس به نتیجهء اعمالش می‏رسد،اگر کار نیکو کرده است‏ پاداش آن را خواهد دید و اگر کار ناپسند مرتکب شده است کیفرش را خواهد چشید.

یاد داشتها

(1)-مجمع البیان،ج 5،ص 477.

(2)-مجمع البیان،ج 5،ص 479.

(3)-مجمع البیان،ج 5،ص 479.

(4)-المیزان،ج 20،ص 274.